



۲۰۱۳/۰۳/۱۹

داکتر سید عبدالله کاظم

به مناسبت بزرگداشت سی و چهارمین سالگرد قیام تاریخی و مردمی ۲۴ حوت هرات

قسمت چهارم

قیام هرات - زمینه ساز تهاجم شوروی

اهداف شوروی :

در پهلوی بعضی دلایل قوی و یا ضعیف مبنی بر تجاوز عریان شوروی به افغانستان که فقط ۹ ماه بعد از قیام هرات صورت گرفت، یکی از قوی ترین دلایل همانا سیاست توسعه جویانه آن کشور بود که اساساً از زمان پطر کبیر آغاز گردید و روسیه آنوقت در طول یک و نیم قرن «بازی بزرگ» قدم به قدم ساحة تسلط خود را از شمال به طرف سرزمین های جنوب وسعت داد و یک ساحه را بعد از دیگر به تصرف در آورد. این سیاست توسعه جویانه که هدف قدیمی آن رسیدن به آبهای گرم بحر هند بود، حتی پس از ایجاد دولت شوروی یک قرن بعد بار دیگر دراجندای توسعه جویانه شوروی قرار گرفت. به زعم یک عده صاحب نظران اقدام نظامی شوروی در افغانستان در ۲۶ دسمبر ۱۹۷۹ ادامه همان هدف دیرینه بود که بعد از سال ها انتظار و تلاش در جهت توسعه نفوذ تدریجی، دفعتاً بیک عمل نظامی منتهی شد و اولین قدم در اجرای طرح «تسلط بر منطقه»، پیشرفت بسوی «آبهای گرم بحر هند» و دسترسی به ذخائر سرشار نفتی شرق میانه بود که به بهانه ای رویدست گرفته شد. اینکه شوروی دلیل اعزام قوای «محدود!!!» خود را به افغانستان مبتنی بر تقاضای کمک نظامی از طرف دولت افغانستان (!!!)، تعهد دولت شوروی برای کمک بر طبق معاهده دوستی و همکاری که بین دو کشور بتاریخ ۵ دسمبر ۱۹۷۸ در مسکو امضا شده بود و نیز به دلیل دفاع از خود در برابر تهاجم مسلحانه خارجی (!!!) بر طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد وانمود می کرد، فقط روپوش های سیاسی بودند که می خواستند اهداف توسعه جویانه خود را از نظرجهانیان پنهان کنند. دلایل فوق که ساخته و پرداخته «دکتورین برژنیف» مبنی بر «برگشت ناپذیر بودن نفوذ شوروی در سرزمین های اشغالی و یا تحت نفوذ» بود، نه برای جامعه جهانی قابل توجیه بود و نه برای کشور های بلاک «شرق»، حتی در داخل شوروی نیز به نظر شک و تردید دیده می شد.^۱

نگرانی جدی سران شوروی در آغاز قیام :

قیام هرات در روز سوم قرار داشت که بیرونی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی به تاریخ ۱۷ مارچ ۱۹۷۹م (۲۷ حوت ۱۳۵۷ش) جلسه اضطراری را دائر کرد و پیرامون اوضاع مغشوش هرات به بحث پرداخت. ما در اینجا بعضی نقاط عمده آنرا از نظر می گذرانیم:

«کرلینکو : لیونید ایلچ برژنیف از ما خواسته است که امروز در این ساعت نا مناسب جلسه بیرونی سیاسی را برگزار کنیم و برژنیف فردا در جلسه اشتراک می کند تا آنکه در باره حالاتی که در جمهوری دیموکراتیک افغانستان پدید آمده است، بحث و مذاکره کنیم. حالت فوری است. . . شاید ما اول از رفیق گرومیکو بشنویم.»

۱- هیمن، انتونی، افغانستان زیر سلطه شوروی، ترجمه: اسدالله طاهری، چاپ سوم، ۱۳۶۷، صفحه ۲۳۷ - ۲۳۹

د پانو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

«گرومیکو : نظر به تازه ترین گزارشاتی که از طریق مخابرات از افغانستان توسط رفیق جنرال گوریلوف سرمشاور نظامی ما و رفیق الیکسیف مسؤل مؤقت در آنجا دریافت شده، حالات افغانستان به شکل وخیم رو به خرابی نهاده است. مرکز این نا آرامی ها در این وقت شهر هرات می باشد. تا آنجا که از ارتباط مخابراتی قبلی معلوم است، فرقه ۱۷ اردوی افغان که در آنجا مستقر است، نظم و آرامش را حفظ کرده است، لیکن خبری که اکنون به ما رسیده حاکی از فروپاشی این لشکر است. . . تعداد شورشیان را مشکل است تعیین کرد، لکن رفقای ما گفته اند که هزاران نفر، فقط هزاران نفر. . . ما از رفقای خود گزارشاتی دریافتیم که هرج و مرج و آشوب در هرات بالا گرفته است. . . و رفیق تره کی، رفیق گوریلوف سرمشاور نظامی ما و رفیق الیکسیف مسؤل مؤقت را نزد خود فرا خوانده. . . و برای دریافت تجهیزات نظامی به شوروی روی آورده است. . . باید قابل فهم بود که وی اعزام نیروهای ما را یعنی نیروهای هوایی و زمینی را تقاضا کرده است.

از دیدگاه من موضوع کمک به افغانستان را، ما باید بطور اصولی طرح و مورد غور و بررسی قرار دهیم البته با این هدف که : تحت هیچ شرایطی افغانستان را از دست نمی دهیم. ما برای شصت سال با افغانستان در صلح و دوستی بسر برده ایم و حالا اگر افغانستان را از دست بدهیم، این چرخشی است برضد اتحاد شوروی و ضربه شدیدی برخلاف پالیسی ما می باشد. البته یک مسئله این است که معیار های افراطی را بکار گیریم، اگر اردوی افغان از مردم حمایت کند، این مسئله کاملاً فرق می کند و اگر اردو از حکومت قانونی حمایت نکند و سر انجام مسئله سوم، اگر اردو برضد حکومت باشد در نتیجه برضد نیروهای ما، در آنصورت موضوع واقعاً پیچیدگی پیدا میکند.»

«اوستینوف : رفیق گوریلوف سرمشاور ما و رفیق الیکسیف مسؤل ما در افغانستان با تره کی مذاکره کرده اند. من فقط همین لحظه با رفیق گوریلوف صحبت تلفونی داشتم و او گفت که رهبری افغانستان در مورد اوضاع امور مشوش است و اوضاع خاصاً در ولایت هرات بسیار بد است و همچنان در ولایت پکتیا. . . ما به رفیق تره کی مشوره دادیم که چندین نیرو را در همان جاها که شورش برپا کرده اند، اعزام نماید. او به نوبه خود پاسخ داد که این کار مشکل است زیرا نا آرامی ها در دیگر مناطق نیز موجود است. کوتاه سخن اینکه آنها جواب قاطع از اتحاد شوروی انتظار دارند، البته در قالب اعزام قوای زمینی و هوایی.»

«کرلینکو : سوال اینجا است که اگر ما به آنجا نیرو اعزام کنیم، نیروهای ما در برابر کی خواهند جنگید؟ در برابر شورشیان؟ یا اگر آنها با تعداد زیادی از افراطیون مذهبی پیوسته باشند که همه مسلمان اند و در میان آنها تعداد زیاد از افراد عادی؟ بنا بر آن ما ضرورت خواهیم داشت که برضد مردم جنگ برپا کنیم.»

«گرومیکو : مناسبات میان حامیان حکومت و شورشیان هنوز روشن نیست، حوادث در هرات از هرنگاه که دیده شود یک اغتشاش آشکار است زیرا بیش از هزار نفر کشته شده است، لکن تا هنوز اوضاع به حد کافی روشن نیست.»

«کاسیگین : . . . ما باید به خاطر افغانستان مبارزه را تحمل کنیم، پس از همه ما به مدت شصت سال درکنار هم زیسته ایم. . واضح است که ایران، چین و پاکستان برضد افغانستان اند و هر آنچه در توان دارند، بکار می گیرند تا تصامیم حکومت قانونی افغانستان را بی اعتبار سازند و به درستی همین نکته است که حمایت سیاسی ما را از تره کی و حکومت او لازمی می سازد. البته کارتر (رئیس جمهور امریکا) نیز در برابر رهبری افغانستان قدعلم خواهد کرد. در صورتیکه لازم افتد که به افغانستان نیرو اعزام کنیم، باچه کسانی ضرور خواهد بود که بجنگیم آیا با هر که در برابر رهبری کنونی افغانستان ایستادگی کند؟ آنها همه مسلمان اند، مردمی که عقیده واحد دارند و عقیده بس راسخ دارند. من لازم می دانم که باید با تره کی و امین در باره اشتباهاتی که اجازه داده اند در این مدت به وقوع پیوندد، صحبت کنیم. آنها تاکنون به سیاستی ادامه داده اند که مردمی را که با ایشان موافق نبوده اند، اعدام کنند. آنها تقریباً همه رهبران را کشته اند، نه تنها رهبران دست اول را بلکه رهبران متوسط حزب پرچم را، حالا مشکل است که یک سند سیاسی را فورمول بندی کنیم. . . من تصور نمی کنم که درست باشد بر حکومت افغان فشار بیاوریم که از ما تقاضا نماید تا به آنجا نیرو بفرستیم. بگذارید که خود آنها قطعات عسکری تشکیل کنند در هر جا که ضرورت افتد، اعزام نمایند تا در برابر شورشیان مقابله کنند. . . ما باید نیروهای خود را آماده نمائیم و در رابطه به آن برروی سندی کار کنیم و آنرا توسط یک نماینده خاص ارسال داریم.»

«اوستینوف : ما در رابطه به عملیات نظامی دو طرح را آماده کرده ایم. طرح اول آنست که ما می توانیم فقط در ظرف یک روز فرقه ۱۰۵ نیروی هوایی را در داخل افغانستان اعزام کنیم و غند موتوریزه پیاده نظام را در کابل پیاده کنیم و فرقه موتوریزه شماره ۶۸ را در سرحد جابجا کنیم و غند ۵ موتوری و پیاده نظام را در سرحد مستقر نمائیم. تحت این طرح ما

آماده خواهیم بود که در ظرف سه روز نیرو پیاده کنیم، ولی باید عواقب سیاسی تصمیمی را که در اینجا اتخاذ می کنیم، بپذیریم.»

«کرلینکو : . . . باید این مسئله بطور کامل و همه جانبه مورد غور و بررسی قرار گیرد. ما بدون تقاضا نامه از جانب حکومت افغانستان نمی توانیم نیرو اعزام کنیم و ما باید این نکته را به رفیق تره کی برسانیم. این مسئله باید مستقیماً در کنفرانسی که بین رفیق کاسیگین و تره کی برگزار می گردد، توضیح داده شود. علاوه بر آن به تره کی باید فهماند که در روش خود تغییر آورد. اعدام ها، شکنجه ها و غیره نباید به پیمانۀ وسیع بکار گرفته شود. مسائل مذهبی، مناسبات با جوامع مذهبی و عموماً با دین و رهبران دینی برای آنها معنی خاص دارد. این یک مسئله بسیار مهم در سیاست است و تره کی در اینجا با قطعیت کامل باید اطمینان بدهد که هیچ نوع تخلف، هرچه باشد نباید از ایشان سرزند. این سند باید حد اقل تا فردا آماده شود. ما با لیونید برژنیف نیز مشوره خواهیم کرد که چگونه آنرا به بهترین وجه انجام خواهیم داد.»

«اوستینوف : ما طرح دومی نیز داریم که آن را هم آماده کرده ایم. این طرح اعزام دو فرقه به افغانستان را در بر می گیرد»

.....
(بحث ادامه داشت تا آنکه کرلینکو به نتیجه گیری پرداخت و گفت):

«کرلینکو : سخن به درازا کشید، رفقا! نظریات ما واضح است. بیانیید که از آن نتیجه گیری کنیم:

۱ - به رفیق کاسیگین صلاحیت داده شود تا اسنادی را که به ما عرضه شده است، اصلاح نماید و در آن ایزاد صد هزار تن گندم و افزایش قیمت گاز را از ۱۵ به ۲۵ روبل وارد کند و مسائل فیصدی ها و اسعار را از فیصله نامه دور کند.

۲ - به رفیق کاسیگین صلاحیت داده شود که با رفیق تره کی صحبت کند تا متیقن شود که آنها اوضاع افغانستان را چطور ارزیابی می کنند و از جانب ما کدام چیز ضرور است و در مذاکرات با رفیق تره کی رفیق کاسیگین رهنمود های حاصل تبادل نظرات را که در بیروی سیاسی بعمل آمده مدنظر داشته باشد.

۳ - موضوع سومی که ما در اینجا بر آن بحث کردیم عبارت است از اینکه به رفقا هریک گرومیگو، اندروپوف و پونوماریف صلاحیت داده شود تا سند سیاسی را با در نظر داشت تبادل نظرات در رابطه به سیاست ما در امور افغانستان ترتیب و آماده نماید.

۴ - به منظور جلوگیری از مداخلات پاکستان در امور افغانستان باید از طریق وزارت خارجه با آن کشور تماس گرفته شود.

۵ - ما باید از طریق وزارت دفاع و همچنان از طریق کا. جی. بی. به افغانستان کمک کنیم تا مشکلات خود را رفع نماید.

۶ - فرستادن بهترین متخصصین نظامی را از طریق وزارت دفاع و همچنان از طریق کا. جی. بی. به افغانستان در جهت ساختن شرایطی که بر اردوی افغان و افغانستان تأثیر داشته باشد، در نظر بگیریم.

۷ - مسوده فیصله نامه ما باید حاوی ماده ای باشد تا مدارکی را ارائه کند که مداخلات کشور های پاکستان، چین، ایران و امریکا را در امور داخلی افغانستان آشکار سازد و این مدارک از طریق رسانه های گروهی کشورهای جهان سوم نشر و افشا گردد.

۸ - رفقا هریک یونوماریف و زمیاتین صلاحیت بگیرند که مدارک مربوط به مداخلۀ پاکستان، ایران، امریکا و چین و سایر کشورها را در امور داخلی افغانستان آماده نمایند و این مدارک را برای رسانه های گروهی بفرستند تا آماده باشد.

۹ - ما باید محتاطانه در مورد پاسخی که کشورهای دیگر، اتحاد شوروی را متهم و برجسپ بزنند، فکر کنیم آنگاه که ما را به تجاوز و غیره متهم نمایند.

۱۰ - وزارت دفاع اجازه خواهد داشت که دو فرقه را میان سرحد شوروی و افغانستان اعزام کند و سرانجام چنانکه در اینجا پیشنهاد شد، ضرور است که کشورهای سوسیالیستی را از تدابیری که ما پذیرفته ایم، آگاه سازیم. آیا کدام پیشنهاد دیگر هست، رفقا؟

-- همگی : این همه چیز را در بر گرفته است.»

صحبت تره کی با کاسیگین و سفر او به مسکو:

برطبق تصمیم جلسۀ فوق فردای آنروز یعنی ۱۸ مارچ کاسیگین به وسیلۀ ترجمان با تره کی صحبت مفصل از طریق تلیفون انجام داد. تره کی در این صحبت به تکرار از ضعف رژیم سخن می گوید و از گاسیگین می خواهد که شوروی با اعزام قوا رژیم را از فروپاشی و خطر سقوط نجات دهد. تره کی می گوید: «ما فکر می کنیم شام امروز یا صبح فردا هرات بدست دشمن می افتد. . . من از شما التجا می کنم که بما کمک کنید. . . ما می خواهیم که تاجک ها، ازبک ها و ترکمن ها برای ما فرستاده شوند. . . این مردم در افغانستان هم زندگی می کنند. بگذارید که لباس افغانی بپوشند، نشان های افغانی بپوشند و آنوقت کسی آنها را خارجی تشخیص نخواهد کرد. . .» ولی کاسیگین در جواب می گوید: «ما در این باره باید مجلس کنیم و مشوره نمائیم. . . لیکن ما برایتان فوراً سلاح و طیارات اضافی می دهیم. . .»

تره کی بار دیگر اصرار می کند: «این وقت زیاد را می گیرد، تا آنوقت هرات سقوط خواهد کرد.»

کاسیگین متعاقباً نقاط عمده صحبت با تره کی و تقاضای مصرانه او را مبنی بر اعزام فوری قوا به جلسه بیروی سیاسی حزب که به همان روز یعنی ۱۸ مارچ دائر گردیده بود، به تفصیل گزارش داد. رونوشت این مجلس در یک سند رسمی بعداً در جمع اسناد آرشیف روسیه و آلمان شرقی انتشار یافت که چند مطلب عمده و مهم آنرا جهت معلومات مزید ذیلاً اقتباس میدارم. «اندریوف: رفقا، من تمام این مسائل را به دقت غور و بررسی کردم و به این نتیجه رسیدم که ما باید بسیار بسیار دقت کنیم. سوال اینست که اگر ما به افغانستان نیرو اعزام کنیم، از کی حمایت می کنیم؟ این مسئله کاملاً روشن است که در این وقت افغانستان قادر نیست در جهت رسیدن به سوسیالیزم تمام مشکلات خود را حل کند، اقتصادش عقب افتاده است، دین اسلام در آن کشور مسلط است و تقریباً تمام باشندگان دهات بیسواد اند. ما تعلیمات لینن را در باره شرایط انقلاب می دانیم، تمام شرایطی را که ما در افغانستان صحبت کردیم، از آن گونه شرایطی نیست. بنا بر این من به این باور هستم که ما می توانیم انقلابی را در افغانستان فرو نشانیم، لیکن به زور سرنیزه و این کار برای ما کاملاً غیر قابل قبول است. ما چنین خطری را پذیرفته نمی توانیم»

گرومیکو با تأیید گفتار کاسیگین افزود: «اردوی آنها قابل اعتماد نیست، لذا وقتی قشون ما به افغانستان برود، اردوی مهاجم خواهد بود و در مقابل کی خواهد جنگید، واضحاً اولتر از همه در برابر مردم آنجا و باید به روی آنها آتش بگشاید. . . شرایط در افغانستان واقعاً برای انقلاب فرا نرسیده است. . . ما (از افغانستان) چه بدست خواهیم آورد؟ با این حکومت موجوده، با این اقتصاد عقب افتاده و با این وزنه ناچیز در امور بین المللی. . .» گرومیکو در ادامه گفت: «از سوی دیگر باید به خاطر بسپاریم که از نظر قانونی هم ما اعزام نیروهای خود را توجیه کرده نمی توانیم. مطابق به منشور ملل متحد یک مملکت می تواند تقاضای کمک کند و ما به کشوری می توانیم نیرو بفرستیم که معروض به تجاوز خارجی باشد. افغانستان معروض به تجاوز خارجی نبوده است. این یک مسئله داخلی (افغانها) است، یک مبارزه انقلابی داخلی، جنگ بین گروهی از مردم در مقابل گروهی دیگر و تصادفاً افغانها بطور رسمی از ما تقاضای اعزام نیرو نکرده اند. . .»

کاسیگین در این جلسه نظر خود را چنین خلاصه کرد و گفت: «شاید بهتر باشد تره کی را در اینجا دعوت کنیم و به او بگوئیم که ما کمک های خود را به شما افزایش خواهیم داد، لیکن نیرو اعزام کرده نمی توانیم زیرا آنها در برابر قشونی نمی جنگند بلکه بخشی از آن بسوی دشمن رفته اند و بخشی دیگر بی تفاوت نشسته اند و در انتظار می باشند، بلکه ما در برابر

مردم خواهیم جنگید. اینکار اثرات منفی بزرگ به ما بار می آورد و در آن هیچ نکته مثبت بصورت کل وجود ندارد.» به تاریخ ۱۹ مارچ یعنی روز پنجم قیام که قوای رژیم نسبتاً بر اوضاع در هرات مسلط شده بود و شوروی خطر سقوط شهر بدست مردم را تا حدی مرفوع می دانست، بار دیگر بیروی سیاسی، البته این بار در حضور لیونید برژنیف تشکیل جلسه داد و موصوف تمام فیصله ها را که طی جلسات دو روز گذشته اتخاذ شده بود، تأیید کرد و گفت: «طرح سوال اشتراک فوری نیروهای ما در مناقشه افغانستان که مورد بحث قرار گرفته است، از نظر من بیروی سیاسی بصورت درست تشخیص داده که وقت مناسب برای ما نیست در این جنگ گرفتار شویم. ما باید به رفیق تره کی و سائر رفقای افغان واضح سازیم که آنها را در رابطه به هر چیزی که فعالیت های ما را در آن کشور به جریان اندازد، کمک می کنیم، لیکن دخالت نیروهای ما در افغانستان نه تنها ما را زیانمند خواهد ساخت، بلکه اولتر از همه ضرر آن متوجه خود آنها خواهد بود. . .»

در این جلسه اوستینوف آمادگی کشورش را در رابطه با اوضاع چنین بیان کرد: «اوضاع در هرات امروز اندکی بهتر است، شهر آرام است. البته لازم است کمک های تکنیکی به آنجا بفرستیم و ما به پیمانانه زیاد خواهیم فرستاد. ما دو فرقه در ساحة نظامی ترکستان تشکیل می کنیم و یک فرقه هم در ساحة نظامی آسیای مرکزی. ما سه غند داریم که می توانیم آنها را در ظرف سه ساعت به افغانستان برسانیم. من این را به خاطری می گویم که البته برحالت آمادگی خویش تأکید ورزم. من هم مانند سائر رفقا از نظریه اعزام قوا به افغانستان حمایت نمی کنم. من اجازه می خواهم که عملیات تکنیکی را در سرحد افغانستان اجرا کنیم و غندها و فرقه های نظامی را تشکیل کنیم. من باید بگویم که رهبری افغان هر قضیه را با بی کفایتی اجرا می کند و کار کردن برای مشاورین ما تحت چنین شرایط دشوار است.»

در پایان جلسه برژنیف چنین هدایت داد: «رفیق تره کی فردا بیستم مارچ به اینجا آورده شود و مذاکرات توسط رفقا هر

یک کاسیگین، گرومیکو و اوستینوف با او صورت گیرد و سپس من او را خواهم دید.»

به اساس همین هدایت تره کی بروز موعود (۲۰ مارچ) به مسکو احضار شد و با سران فوق الذکر شوروی ملاقات کرد. در این روز که هرات دوباره بدست قوای حکومتی درآمده بود، فضای مذاکرات نیز از حالت پر اضطراب قبلی بیرون شده و تاحدی شکل عادی را بخود گرفت و سخن از دوستی اتحاد شوروی و افغانستان بود، چنانکه کاسیگین در صحبت با تره کی گفت: «ما برای شما کمک کردیم و به کمک خویش ادامه خواهیم داد تا در برابر همه دشمنان تان بجنگید، چه آنهایی که اکنون برضد شما می جنگند و چه دشمنانی که در آینده با آنها برخورد خواهید کرد. . . ما بدین نتیجه می رسیم که تا مدت

۲- اسنادی از آرشیف های روسیه و آلمان شرقی: افغانستان و اتحاد شوروی، ترجمه: عبدالعلی نور احراری، هرات، ۱۳۸۳، صفحه ۸۶ تا ۹۳

۳- افغانستان و اتحاد شوروی، صفحه ۹۳ تا ۱۰۲

معین بهترین کمک را که به شما کرده می توانیم از طریق تفوق سیاسی ما بر کشورهای همسایه و همچنان افزونی زیاد اندازه امداد ما خواهد بود. . .» در مقابل تره کی پس از اظهار سپاسگذاری فراوان گفت: « ما در افغانستان بر این باوریم که مشکلات جاری را باید اول از طریق سیاسی حل کرد و اقدامات نظامی باید خصوصیت فرعی داشته باشد. در عرصه سیاسی ما گام های برداشته ایم و بدین نتیجه رسیده ایم که اکثریت مردم طرفدار ما می باشند. در ظرف یک روز پس از آنکه در رابطه به وقایع هرات در رادیو بیابیه دادم، به تعداد یکصد و دو مظاهره برپا شد و مظاهره کنندگان شعار های حمل می کردند که خمینی و نوکران او را محکوم می کردند. این امر ما را متقاعد ساخت که دشمنان داخلی ما زیاد نیستند. . .» تره کی علاوه کرد: « من فقط می خواهم بر این مسئله تأکید کنم که ما دوست بودیم و به این دوستی خود ادامه خواهیم داد و ما هرگز با کسی چنین دوست نزدیک نبودیم که با شما هستیم. ما از لینن آموختیم و می کوشیم که از لینن بیاموزیم. ما از دستورات لینن به خوبی آگاهییم که چگونه روابط با کشورهای همسایه برقرار کنیم. . .»

از تمام تشریحات فوق چنین نتیجه گرفته می شود که در آغاز قیام، سران شوروی همه نگران سقوط رژیم در کابل بودند و از احتمال اعزام قوا برای نجات رژیم در تردد قرار داشتند، ولی بعداً پس از رفع خطر توجه را بیشتر به ارسال کمک های نظامی، اعزام مشاورین، آمادگی نظامی در حواشی سرحد افغانستان جهت اقدامات فوری و نیز سرزنش و تنبیه سران خلقی مبنی بر رفع اختلافات حزبی و مدارا با مخالفان و غیره مبذول کردند. بهر حال طوریکه وقایع بعدی نشان داد، تشدید اختلاف بین تره کی و امین که منجر به برکناری تره کی و قتل او توسط امین شد از یک طرف و ادامه قیام های مردمی در سر تا سر افغانستان و از همه مهمتر همکاری اردو با مردم که ناشی از انزجار روز افزون مردم از اعمال رژیم بود از طرف دیگر، همه عواملی بودند که ۹ ماه بعد از قیام هرات، شوروی برای نجات رژیم از خطر سقوط مجبور به حمله نظامی به افغانستان شد.

نگاهی به پالیسی نظامی شوروی در افغانستان بعد از قیام :

قیام هرات هنوز در چهارمین روز خود داخل نشده بود که بیروی سیاسی حزب کمونیست شوروی حوادث هرات را طی یک جلسه اضطراری مورد غور و مذاقه قرار داد. در این جلسه گرومیکو وزیر خارجه شوروی به وضاحت هدف طویل المدت شوروی را در افغانستان قاطعانه بیان کرد و گفت: « از دیدگاه من موضوع کمک به افغانستان را ما باید بطور اصولی طرح و مورد غور و بررسی قرار دهیم، البته با این هدف که : تحت هیچ شرایطی افغانستان را از دست نمی دهیم. ما برای شصت سال با افغانستان در صلح و دوستی بسر برده ایم و حالا اگر افغانستان را از دست بدهیم، این چرخشی است بر ضد اتحاد شوروی و ضربه شدید برخلاف پالیسی ما می باشد. . .». در همین جلسه پونوماریوف - یک عضو برجسته بیروی سیاسی تصریح کرد که : « اولتر از همه بسیار لازم است که تمام نیازمندی قوای اردوی افغان را برآورده سازیم و فقط پس از آن مرحله، اگر واقعاً ضرورتی احساس می شود، ما می توانیم نیرو های خود را در آنجا پیاده کنیم. . .»

از آن تاریخ (۲۷ حوت ۱۳۵۷ش مطابق ۱۷ اپریل ۱۹۷۹م) تا سقوط نجیب (۸ ثور ۱۳۷۳ مطابق ۲۸ اپریل ۱۹۹۲) که حکومت دست نشاندۀ شوروی در افغانستان به نحوی حاکم بود و از آنجمله ۹ سال آن با موجودیت قوای متجاوز شوروی مرتبط می باشد، همه سال های پر از مصیبت، ویرانی و خونبار تاریخ معاصر کشور محسوب می شود. در طول این سال ها مداخلۀ شوروی طی چار مرحله به منصه اجرا در آمد که هر مرحله آن به ذات خود یک نقطه چرخش خاص در پالیسی کلی شوروی در افغانستان محسوب می شود، به این شرح که:

مرحله اول - پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ (۲۷ اپریل ۱۹۷۸) شوروی افغانستان را در جمله کشورهای تحت نفوذ خود به حیث یک کشور «سوسیالیستی» حساب کرد و مطابق به دوکتورین برژنیف، خود را مکلف دانست تا رژیم دست نشاندۀ را به هر قیمت که باشد، به قدرت نگه دارد. در این مرحله از اعزام مشاورین ملکی و نظامی تا ارسال مقادیر فراوان انواع اسلحه و کمک های مالی دریغ نکرد تا بدان وسیله حکومت دست نشاندۀ را در افغانستان مستقر سازد. قیام های متواتر مردم بر علیه

رژیم، بخصوص بعد از حادثه هرات و وقایع مهم دیگر قدم به قدم رژیم را با خطر سقوط نزدیک کرد و شوروی ناگزیر به اعزام قوا گردید (۲۶ دسامبر ۱۹۷۹). البته در این مرحله، شوروی در نظر نداشت تا برای مدت مدید در افغانستان باقی بماند و فکر می کرد که به محض تحکیم پایه های رژیم، مسؤولیت را به افغان ها گذاشته و قوای خود را بیرون کند. اما تهاجم قوای شوروی موج مقاومت ها را شدت بخشید و شوروی را مجبور به تغییر پالیسی ساخت.

مرحله دوم - در طول سال ۱۹۸۰ برخورد ها در سرتاسر افغانستان در برابر قوای متجاوز چنان توسعه پیدا کرد که شوروی راه دیگر نداشت جز آنکه قوای خود را در افغانستان پابرجا نگهدارد و بر کمیت و کیفیت آن بیفزاید و هدف نهائی توسعه جویانه خود را فراتر از افغانستان به وسیله تمرکز و تقویه قوا دنبال کند. البته هدف طویل المدت شوروی را می توان در دو پلان خلاصه کرد: یکی هدف کلی، آنهم نفوذ کامل بر افغانستان و استفاده از آن به حیث تخته خیز بسوی بلوچستان و مناطق پشتون نشین ماورای سرحد و دیگر هدف قسمی یعنی پیش آوردن عملی «دوفاکتو» سرحدات شوروی تا کوه های هندوکش به شمول ادغام هرات به آن و در جنوب شرق ایجاد کشوری بنام پشتونستان متشکل از پشتون های هر دو طرف دیورند و در عین زمان تلاش برای تأسیس یک دولت بلوچ تحت نفوذ شوروی. (مؤخذ شماره ۴۴ - صفحه ۲۷۲ تا ۲۷۵)

به این منظور شوروی به ایجاد پایگاه های وسیع نظامی با تجهیزات بسیار مدرن هوایی و زمینی در داخل افغانستان پرداخت و سه کمربند سوق الجیشی را در آنجا به وجود آورد :

اول - کمربند «جبهه مقدم»، شامل ساحات غربی، جنوبی و شرقی افغانستان در امتداد سرحد با ایران و پاکستان،

دوم - کمربند حمایتی در عقب کمربند اولی،

سوم - کمربند اکمالاتی در شمال و شمال شرق افغانستان.

به اساس نقشه ای که توسط جوزف بودانسکی (امریکائی) در زمینه تهیه شده است، ساحات هرات، شیندند، فراه و زرنج به حیث یک دهلیز بزرگ و مهم سوق الجیشی پنداشته شده و ترکمنستان (شوروی) را از شمال بطرف جنوب با سرحدات پاکستان و نیز بطرف غرب با سرحدات ایران وصل میکنند که هدف بعدی شوروی را از طریق سیستان (زاهدان) به بندر «چاه بهار» در ایران برآورده می سازد. رسیدن به این محل در حقیقت نقطه آغاز دسترسی به آرزوهای دیرینه شوروی به آبهای گرم می باشد.

مرحله سوم - اواخر ۱۹۸۳ شوروی به یک واقعیت مهم، آنهم یک اشتباه بزرگ پی برد و ناگزیر شد از پالیسی توسعه جویانه و تهاجمی خود منصرف و بجای آن پالیسی دفاعی را در پیش گیرد، به این شرح که شوروی معتقد شد: افغانستان در واقعیت از نظر «انکشاف اجتماعی» به مرحله ای نرسیده است که آماده پذیرش و پرورش «سوسیالیزم» باشد. برعکس مردم این کشور در عمق دینداری و گریز از قبول افکار بیگانه قرار دارند. توسعه فعالیت های جهادی در سرتا سر افغانستان بطور روز افزون و تقویه جبهات جهادی از طرف رقبای شوروی، بخصوص امریکا، خطر نفوذ بنیادگرایان اسلامی را در جمهوریت های آسیای مرکزی شوروی بیش از پیش قرین به واقعیت می سازد. لذا شوروی برای جلوگیری از این خطر مجبور شد حملات خود را بیشتر بر مواضع قوت های جهادی در افغانستان و سرکوبی جدی آنها متمرکز سازد. اینجاست که در سال ۱۹۸۴ شوروی بر شدت حملات خود علیه مجاهدین افغان در سرتا سر افغانستان بطور بی سابقه افزایش داد. بر علاوه شوروی

۵- بودانسکی، یوزف: عملیات نظامی شوروی در افغانستان (بزبان انگلیسی)، بودانسکی، یوزف: صفحه ۲۳۷ تا ۲۴۲

۵- Bodansky, Yossef: Soviet Military Operation in Afghanistan

In: Afghanistan – the Great Game Revisited ; Edited by: R. Klass, Freedom house, ۱۹۸۷

د پانوی شمیره: له ۶ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

برای جلوگیری از این خطر از سیاست «تفرقه اندازی» قومی و زبانی بین اقوام افغانستان بنام «ملیت‌ها» و در داخل هر قوم با تشکیل «ملی‌شده‌های قومی» مبادرت ورزید تا مقاومت را در داخل توسط خود افغان‌ها تضعیف کند^۶

به تاسی از این پالیسی، دولت به کمک مشاورین شوروی موفق شد تا یک تعداد زیاد قوماندان‌های ضعیف‌النفس جهادی را با دادن پول، مقام و اسلحه با خود همکار سازد، چنانچه به قول نبی عظیمی که در آنوقت به حیث آمر زون شمال غرب (هرات، غور و بادغیس) ابفای وظیفه می‌کرد: «در ولایت هرات الی سال ۱۹۸۳ لاقلاً سه هزار مخالف مسلح به دولت پیوسته و به امنیت مناطق مربوطه به طرفداری دولت مصروف بودند که بعداً تعداد آنها به مراتب بیشتر گردید».

مرحله چهارم - شوروی نظر به فشارهای داخلی ناشی از تشدید و ادامه جنگ در افغانستان پس از رویکار آمدن گوربچف و اتخاذ پالیسی «بازسازی» (پروستاریکا) و روش «آشکار ساختن حقایق» (گلاسنوست) در ماه می ۱۹۸۶ نجیب را به جای کارمل در راس حکومت کابل گماشت و تصمیم گرفت تا با ادامه مذاکرات در ژینوا (سوئیس) از طریق ملل متحد موضوع خروج قوا را از افغانستان در چارچوب یک موافقتنامه مطرح سازد. به اساس این موافقتنامه به تاریخ ۱۵ می ۱۹۸۸ خروج قوا آغاز و به تاریخ ۱۵ فبروری ۱۹۸۹ آخرین عسکر شوروی افغانستان را ظاهراً ترک کرد. در این مرحله البته قبل از خروج قوا و بعد از آن شوروی به یک سلسله اقدامات وقایعی (علنی و مخفی) برای حفظ و بقای رژیم کابل تشبث کرد، از جمله افزایش تعداد مشاوران در زمینه‌های ملکی و نظامی، تدارک تجهیزات پیشرفته دفاعی، کمک‌های اقتصادی و مجبور ساختن رژیم به نرمش و جلب نظر مخالفان بنام «مصالحه ملی» و غیره که بررسی جزئیات آن در این مختصر نمی‌گنجد.^۷

ختم

۶ - بودانسکی، یوزف: صفحه ۲۳۷ تا ۲۴۲

۷ - کاظم - سیدعبدالله: زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد، کالیفورنیا، ۲۰۰۵، صفحه ۳۳۱ تا ۳۳۵

د پانیو شمیره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ